

تحلیلی فقهی بر حمایت از غیرنظامیان در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه

محمدحسن شیخ محمدی*

چکیده

حمایت از افراد غیرنظامی مانند زنان، کودکان و بیماران در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه از اصول بنیادین و ثابت فقه امامیه است. بر اساس این اصل فقهای شیعه معتقدند هنگام جنگ‌ها رزمندگان اسلام باید در حمله به اهداف نظامی باید چنان دقتی به عمل آورند که به افراد و اهداف غیرنظامی و افرادی که در جنگ مشارکتی ندارند، آسیب و صدمه‌ای وارد نشود. این مسأله در آیات و روایات متعدد مورد تأکید قرار گرفته است و این مقاله در صدد پاسخ به این سوال است که این آیات و روایات چگونه بر لزوم حمایت از این گونه افراد دلالت دارند؟ همچنین در این مقاله به این سوالات نیز پاسخ داده می‌شود: ۱. حکم فقهی تعرض به زنان و کودکان و افراد غیرجنگجو در زمان جنگ چیست؟ حرمت یا کراهت؟ ۲. آیا مصونیت نفس و جان غیرجنگجویان در جنگ‌ها منحصر به افرادی است که فقها بدان اشاره کرده‌اند یا اینکه بجز آنها، افراد دیگری نیز می‌توان در زمره آن دسته دانست که تعرض و حمله به آنها جایز نیست؟ ۳. شرایط استثنایی که فقها اجازه داده‌اند افراد غیرنظامی مورد تعرض و حمله قرار گیرند چه مواردی است؟.

واژگان کلیدی

غیرنظامیان، مخاصمات مسلحانه، قتل عمد، حکم حکومتی، ترس.

طرح مسئله

یکی از اصول بنیادین و تثبیت شده در حقوق بین‌الملل اسلام، مصونیت افراد غیرنظامی مثل زنان، کودکان، بیماران و غیره در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه است. بر اساس این اصل، افراد و اهداف غیرنظامی نه تنها نباید مستقیماً مورد حمله نظامی واقع شوند، بلکه در حمله به اهداف نظامی نیز باید چنان دقتی به عمل آورد که آن اهداف مورد صدمه و آسیب واقع نشود؛ زیرا که اگر هدف در جنگ در واقع تسلیم دشمن از طریق نبرد با نیروهای نظامی اوست، بنابراین آسیب‌رسانی به کسانی که در جنگ مشارکتی ندارند، موجبات آسیب و تألم بی‌گناهان را فراهم خواهد آورد که امری بی‌فایده، غیرضرور و غیرانسانی محسوب می‌شود که هیچ تناسبی با ضرورت‌های نظامی نخواهد داشت.

این اصل در حقوق بین‌الملل موضوعه مورد توجه جدی قرار گرفته است و از آن به عنوان اصل تفکیک یاد شده است. اصل تفکیک غیرنظامیان از نظامیان در جنگ برای نخستین بار در سال ۱۹۴۹ در کنوانسیون چهارم ژنو مطرح شد و پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه نیز قلمرو حقوق بشردوستانه در زمینه رعایت اصل تفکیک را توسعه داد. افزون بر این دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی با بیان اینکه اصل تفکیک جزو اصول بنیادین حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود باتکیه بر رعایت این اصل، بیان داشت: «دولت‌ها هرگز نباید غیرنظامیان را هدف حمله قرار دهند؛ در نتیجه هرگز نباید از سلاح‌هایی که قادر به تفکیک و تمیز بین اهداف نظامی و غیرنظامی نیست، استفاده شود». همچنین بر اساس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، استفاده از سلاح‌هایی که به دلیل ماهیتشان، بدون تفکیک عمل می‌کنند در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرد؛ از این رو هدایت مستقیم و عمدی حملات علیه اهداف غیرنظامی، یعنی اهدافی که استفاده نظامی ندارند و یا جمعیت غیرنظامی یا علیه افراد غیرنظامی که نقش مستقیمی در درگیری ندارند، جنایات جنگی محسوب می‌گردد.

اهتمام حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل موضوعه بر مصونیت افراد غیرنظامی در جنگ نشان از اهمیت رعایت اصل تفکیک و به حداقل رسانیدن صدمات، آسیب‌ها و تلفات غیرنظامیان در جنگ‌هاست. از این رو طرفین درگیر در یک مخاصمه مسلحانه

باید کلیه احتیاط‌های ممکن را در انتخاب وسایل و شیوه‌های حمله به عمل آورند تا در هنگام حمله از خسارت جانی اتفاقی به غیرنظامیان، مجروح شدن غیرنظامیان و نیز آسیب رساندن به اموال غیرنظامی اجتناب نموده و یا آن را به حداقل رسانند.

۱. ادله فقهی عدم جواز تعرض به غیر نظامیان

۱-۱. قرآن

خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید؛ به درستی که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد (بقره: ۱۹۰). دلالت آیه شریفه مذکور بر مصونیت غیرنظامیان در جنگ‌ها به دو گونه است.

۱-۱-۱. عبارت «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»

مفسران قرآن کریم با احترازی شمردن قید، اصل ضرورت تمایز میان جنگجویان و غیرجنگجویان، تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی و نیز لزوم حمایت از زنان و کودکان را از آیه برداشت کرده‌اند. در این باره آیت الله مکارم می‌گوید: «افرادی که سلاح بر زمین بگذارند و کسانی که توانایی جنگ را از دست داده‌اند یا اصولاً قدرت بر جنگ ندارند؛ همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان، نباید مورد تعدی قرار گیرند. باغستان‌ها و گیاهان و زراعت‌ها را نباید از بین ببرند و مواد سمی برای آلوده کردن آب‌های آشامیدنی دشمن نباید استفاده کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۰). طبرسی نیز می‌گوید: «مقصود از این آیه اینست که مسلمانان مأمور شدند که فقط با مردان بجنگند نه زنان» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۰). برخی دیگر نیز در بیان آیه شریفه می‌گویند: «یعنی آنان که صلاحیت دارند از مردان جوان، به خلاف پیران و کودکان و زنان و اهل ذمه و عهد» (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۱۵).

۱-۱-۲. عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»

مفسرین بزرگ قرآن کریم، یکی از مصادیق اعتداء، را قتل افرادی دانسته‌اند که اهلیت قتال ندارند مانند زنان، کودکان؛ در این باره مفسران قرآن کریم معتقدند: یکی از

مصادیق اعتداء، قتل کسانی است که از کشتن آنان نهی شده است مانند زنان، کودکان، پیران و معاهدان (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۰). سیوطی نیز در این باره می‌گوید: «مراد از آیه، نهی از اعتداء به غیرنظامیان است؛ یعنی نسبت به غیرجنگجویان دشمن ظلم و ستم نکنید و فقط با کسانی بجنگید که در حال جنگ با شما هستند؛ چنانچه از «ابن عباس» نقل شده است که مراد از «لا تعتدوا» این است که «لا تقتلوا النساء و الصبیان و الشیخ الکبیر و لا من القی الیکم السلم فان فعلتم فقد اعتدیتم». یعنی زنان و کودکان و پیرمردها و کسانی که تسلیم می‌شوند را نکشید و اگر کشتید اعتداء و تعدی کرده‌اید» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۵).

بنابراین از این آیه یک قاعده کلی استفاده می‌شود که هرگز غیرنظامیان نباید در زمان جنگ مورد تعرض و تجاوز واقع شوند؛ زیرا آنان به مقاتله برنخواسته‌اند و مصونیت دارند. افرادی همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان و در مجموع کسانی که توانایی جنگیدن ندارند، نباید مورد تعدی و تجاوز قرار گیرند.

۲-۱. سنت

در روایات متعدد نقل شده از معصومین(ع) بر مصونیت غیرنظامیان اعم از زنان، کودکان، سالمندان و بیماران در جنگ‌ها تأکید شده است. این روایات را می‌توان در موارد زیر دسته بندی نمود.

۱-۲-۱. روایاتی که کشتن غیرجنگجویان را جایز نمی‌داند

۱. امام علی(ع) طبق آنچه در نهج البلاغه آمده، به لشکریانش، قبل از شروع جنگ صفین، دستور جامعی در این زمینه داده که شاهد گویای بحث ما است: «لا تقتلوهم حتی یبدؤوکم بحمد الله علی حجة، و ترککم ایاهم حتی یبدؤوکم حجة اخری لکم علیهم، فاذا كانت الهزيمة باذن الله فلا تقتلوا مدبرا و لا تصیبوا معورا و لا تجهزوا علی جریح و لا تهيجوا النساء باذی و ان شتمن اعراضکم و سببن امرائکم». با آنها نجنگید تا جنگ را آغاز کنند، چه اینکه شما بحمد الله (برای حقانیت خود) دارای حجت و دلیل

هستید، و واگذاشتن آنها تا نبرد را آغاز کنند، حجت دیگری است به سود شما و بر زیان آنان، آن گاه که به اذن خدا آنان را شکست دادید، فراریان را نکشید، و بر ناتوان‌ها ضربه نزنید و مجروحان را به قتل نرسانید، و با اذیت و آزار، زنان را به هیجان نیاورید، هر چند به شما دشنام دهند، و به سرانتان ناسزا گویند (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۸).

۲. در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا بَعَثَ سَرِيَّةً دَعَا بِأَمِيرِهَا فَأَجْلَسَهُ إِلَى جَنْبِهِ وَ أَجْلَسَ أَصْحَابَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ سِيرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَا تَعْدِرُوا وَ لَا تَغْلُوا وَ لَا تُمَثِّلُوا وَ لَا تَقْطَعُوا شَجْرَةً إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا وَ لَا تَقْتُلُوا شَيْخًا قَانِيًا وَ لَا صَبِيًّا وَ لَا امْرَأَةً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۱).

۳. در روایتی امام صادق(ع) نقل می‌کند که پیامبر خدا(ص) از قتال با زنان و کودکان نهی کرده است مگر اینکه مقاتل باشند: «فَقَالَ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَهَى عَنِ قِتَالِ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ فِي دَارِ الْحَرْبِ إِلَّا أَنْ يُقَاتِلُوا فَإِنْ قَاتَلَتْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹).

۴. در روایت آمده است: «كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي غَزْوَةٍ فَرَأَى النَّاسَ مُجْتَمِعِينَ عَلَى شَيْءٍ فَبِعَثَ رَجُلًا فَقَالَ: «انظُرْ عَلَيَّ مَا اجْتَمَعَ هَؤُلَاءِ» فَجَاءَ فَقَالَ عَلَيٌّ امْرَأَةً قَتِيلًا فَقَالَ: «مَا كَانَتْ هَذِهِ لِنِقَاتِلِ»؛ در یکی از جنگ‌ها، پیامبر خدا مشاهده کردند که عده‌ای جمع شده‌اند؛ شخصی را فرستاد تا علت را جویا شود. این فرد برگشت و به پیامبر عرض کرد، زنی کشته شده است؛ پیامبر فرمود: «ما کانت هذه لتقاتل» قطعاً آن زن در مقام قتال نبوده است (احمدی میانجی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰۰).

مرحوم احمدی میانجی در ذیل این حدیث بیان می‌کند: «فان قوله «ما کانت هذه لتقاتل» يدل او يشعر بانه قاتلت قتلت و النهی عن قتلها كان لاجل انها ما کانت لتقاتل»، اگر آن زن مقاتل بود، کشته می‌شد و نهی از قتل او، به دلیل عدم مقاتل بودن وی است (احمدی میانجی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰۰).

۵. امام صادق(ع) نقل می‌شود: «إِنَّ النَّبِيَّ كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَبْعَثَ أَمِيرًا عَلَى سَرِيَّةٍ أَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي خَاصَّةِ نَفْسِهِ ثُمَّ فِي أَصْحَابِهِ عَامَّةً ثُمَّ يَقُولُ اغزُوا بِسْمِ اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ وَ لَا تَعْدِرُوا وَ لَا تَغْلُوا وَ لَا تُمَثِّلُوا وَ لَا تَقْتُلُوا وِلِيدًا وَ لَا مُتَبَتِّلًا فِي

شَاهِقٍ وَلَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَلَا تُغْرِقُوهُ بِالْمَاءِ وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُشِيرَةً وَلَا تُحْرِقُوا زَرْعًا». رسول خدا(ص) به فرماندهای که به عنوان امیر بر جنگ منصوب می‌کردند، علاوه بر توصیه به تقوای الهی در جنگ نسبت به خصوص فرمانده و عموم لشکریان می‌فرمودند: جنگ را با نام خدا و در راه خدا آغاز کنید و فقط با کسانی که کفر به خدا دارند مقاتله کنید و نقض عهد نکنید و خیانت نکنید و مثله ننمایید، کودکان را نکشید و کسانی که زخمی و مجروح هستند را نکشید و درختان نخل را آتش نزنید و آن را در آب غرق نکنید، درختان ثمره‌دار را قطع نکنید و زراعت‌ها را آتش نزنید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۵۹).

۱-۲-۲. روایاتی که در صدد بیان حکم کلی عدم جواز قتل غیرجنگجویان است

از جمله روایاتی که دلالت بر مصونیت غیرنظامیان دارد، روایاتی است که در پی بیان حکم کلی عدم جواز قتل غیرمقاتلین و غیرجنگجویان است؛ در این باره نقل شده است که امام علی(ع) خطاب به «معل بن قیس» یکی از فرماندهان سپاهش، هنگامی که او را با سه هزار نفر در مقدمه سپاه خود برای نبرد به شام فرستاد، این گونه می‌فرماید: «لا تقاتلن الا من قاتلك»، جز با کسی که با تو می‌جنگد، جنگ مکن (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۷). همچنین پیامبر خدا(ص) به فرماندهانش در فتح مکه دستور داد: «و كان عهد الی امرائه فی فتح مکه ان لا یقاتلوا الا من قاتلهم» (احمدی میانجی، ۱۴۱۱ق، ص ۹۲).

۱-۲-۳. روایاتی که استفاده از سلاح‌های غیر متعارف را جایز نمی‌داند

از جمله روایاتی که دلالت بر عدم جواز قتل غیرجنگجویان در جنگ‌ها دارد، روایاتی است که استفاده از تسلیحات غیرمتعارف در جنگ‌ها را مجاز نمی‌شمارد؛ از جمله این تسلیحات استفاده از سم در بلاد مشرکین است. در این باره در روایت معتبره سکونی آمده است: «أَنَّ النَّبِيَّ نَهَى أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ». پیامبر نهی فرموده‌اند که مسلمانان برای از بین بردن کفار، سم را در بلاد مشرکین قرار دهند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸).

صاحب جواهر با استناد به روایت «منع القای سم در بلاد مشرکین» این احتمال را مطرح می‌کند که این نهی دلالت بر حرمت می‌کند؛ زیرا سخن از القای سم در سرزمین است که غالباً متضمن قتل اطفال، زنان، سالخورده‌گان و دیگر کسانی است که قتل آنها جایز نیست. اما اگر با سم بتوان کسانی را کشت که جواز قتل آنان پیش از این ثابت شده است، القای سم اشکالی ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۶۸). محقق سبزواری در این باره می‌گوید: اگر بدانیم از آب مسموم کودکان و زنان و سالخورده‌گان نمی‌نوشند، می‌توان آب را مسموم کرد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۱۲۴). حتی در نظر ایشان اگر فتح و پیروزی منحصر به این امر باشد باید در این موضوع مصلحت سنجی کرد که این امر به دست ولی‌امر است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۱۲۴).

از این رو از دیدگاه صاحب جواهر، گرچه ظاهر این حدیث اطلاق دارد و طبق قواعد اصولی باید با دلیل مقید آن را تقیید زد، یعنی با ادله اضطرار باید بتوانیم این اطلاق را تقیید بزنیم، اما ایشان معتقدند که خصوص این اطلاق قابل تقیید نیست؛ زیرا رسول خدا با توجه به این جهات نیز نهی فرموده است و به عبارت دیگر غالباً مساله القای سم در موارد ضرورت و اضطرار بوده است و رسول خدا با توجه به همین جهت نهی فرموده است و به صورت کلی فرموده‌اند القای سم در بلاد مشرکین جایز نیست، حتی اگر پیروزی مسلمانان بر آن متوقف باشد. به عبارت دیگر چنین روایتی به مثابه دلیل حاکم است و چنین دلیلی قابلیت تقیید را ندارد. ولی باید گفت این مطلب مخدوش است؛ زیرا با خبر حفص بن غیاث (که بدان اشاره خواهد شد) به خوبی می‌توان معتبره سکونی را تقیید زد، مگر آنکه روایت حفص را به علت ضعف سند از جهت قاسم بن محمد کنار بگذاریم. اما باید توجه داشت که وی دارای توثیق عام است و در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قرار گرفته است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ص ۳۰).

۱-۲-۴. تحلیل روایات

۱. این دسته از روایات با صراحت و روشنی دلالت بر عدم جواز قتل غیر نظامیان مانند زنان، کودکان، مجانین و افراد روحانی در جنگ دارند و کثرت روایات نهی از کشتار غیرنظامیان در جنگ‌ها، ظهور در حرمت دارد؛ زیرا که اصولیون معتقدند، به لحاظ حکم

عقل، ظهور صیغه نهی دلالت بر حرمت دارد. از این رو فقها به حرمت غیرنظامیان در جنگ‌ها فتوا داده‌اند.

۲. از بررسی دقیق روایات این باب می‌توان یک اصل کلی را استنباط کرد: «کل من قاتل یقتل». از این رو مصادیق یاد شده در روایات، خصوصیتی ندارند و با الغای خصوصیت از آنان می‌توان گفت که آنچه در جنگ مهم است و ملاک قتل و کشتن است رزمنده یا رزمنده نبودن افراد است. مرحوم کاشف الغطاء در این باره می‌گوید: «لا مانع من قتل النساء، و الصبیان، و المجانین، و المرضى، و المشایخ الفانین من الکفار إذا کانوا معهم فی الحرب، ... و کل من قاتل یقتل» (کشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۸۴). از این رو علاوه بر افرادی که در منابع فقهی، مورد حمایت قرار گرفته‌اند مانند زنان، کودکان، مجانین و غیره، مصادیق دیگر امروزی مثل نیروهای امدادی و خبرنگاران و افرادی از این قبیل که عنوان جنگجو بدان‌ها اطلاق نمی‌شود، مصونیت داشته و تعرض و حمله به آنان جایز نیست.

۳. بررسی روایات باب جهاد که بعضاً روایات متعارض در آن یافت می‌شود، نشان از آن است که این روایات حکومتی بوده می‌باشد و پیامبر خدا(ص) و امیرالمومنین(ع) به خاطر شأن رهبری‌شان این احکام را صادر کرده‌اند. این گونه روایات در این جا - از جمله روایات باب جهاد و مساله خاص حمایت از غیرنظامی‌ها در جنگ - گرچه با احکام شرعی فقهی و یا روایات دیگر ناسازگار بلکه مخالف است، ولی می‌توان با حکومتی دانستن این روایات، روش جمع مناسبی میان روایات متعارض تلقی شود و مشکل دیرپای تعارض را به گونه‌ای معقول و عرف‌پسند حل کند. اگر گفته شود پس چرا این راه حل در اصول مطرح نشده است، در پاسخ می‌توان گفت که اولاً؛ اصولیونی از قبیل شهید اول و شهید ثانی آن را در آثار اصولی خود مطرح کرده‌اند. ثانیاً؛ برخی از روایات بر رفع تعارض بر استحباب حمل شده است، این هم در روش‌های جمع میان اخبار در اصول نیامده است. از این رو حمل این روایات بر حکومتی بودن از بسیاری از روش‌های جمع رایج در اصول اگر عرفی و عقلایی تر نباشد، هم‌دوش و هم‌سنگ آنها خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵).

۳-۱. عقل

عقل انسان به استقلال درک می‌کند کسی که دخالت و مشارکت در جنگ ندارد، نباید کشته شود و در صورتی که فردی غیررزمنده هدف قرار گیرد، عقل این عمل را به خاطر اینکه ظلم است و ظلم قبیح است، تقبیح و سرزنش می‌کند؛ از این رو به نظر می‌رسد عقل این را درک می‌کند که در جنگ، از آسیب رسیدن به غیرنظامیان جلوگیری شود و اگر کسی به قتل با کسی برخیزد که در مقام قتال نیست و قصدی بر جنگ ندارد، عقل او را مذمت و ملامت می‌کند.

۴-۱. بنای عقلا

بنای عقلای عالم در مخاصمات مسلحانه بر این است که از کشته شدن و آسیب دیدن شهروندان و افراد بی‌گناه و کسانی که در جنگ دخالت مستقیمی ندارند، جلوگیری شود. وجود اسناد بین‌المللی متعدد که بر حمایت از غیررزمندگان و غیرنظامیان تأکید می‌کند و الحاق اغلب کشورهای جهان با عقاید و دیدگاه‌های مختلف به این اسناد، بیانگر این مساله است که عقلای عالم بر این مساله تأکید دارند که جنگ باید فقط بین نظامیان باشند و غیرنظامیان نباید دچار آسیب شوند.

۵-۱. اجماع

از دیگر ادله مصونیت غیرنظامیان اعم از زنان و کودکان و سالمندان، اجماع است. در این باره فقها هدف قرار دادن و مقاتله با آنان را در جنگ جایز نمی‌دانند و بر برخی از مصادیق غیرمقاتلین ادعای اجماع کرده است. وی در این باره می‌گوید: کسی از فقها را سراغ ندارم که با این مساله مخالفت کرده باشد. ایشان سپس می‌فرماید بلکه علامه در «منتهی» درباره زنان و کودکان، بر این حکم ادعای اجماع کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۷۳-۷۵).

۲. حکم فقهی مصونیت افراد غیرنظامی در جنگ‌ها

چنانچه اشاره شد بر اساس ادله فقهی، افراد غیر نظامی در جنگ‌ها دارای مصونیت هستند و کسی نمی‌تواند به ایشان تجاوز و تعدی کرده و آنها را به قتل برساند. حال باید دید قتل و کشتن عمدی غیرنظامیان مثل زنان و کودکان چه حکمی دارد؟ در این

باره عده‌ای از فقها قائل به حرمت قتل زنان و کودکان و در مجموع غیرنظامیان در جنگ شده‌اند و برای اثبات مدعاشان به اطلاق روایات فوق‌الذکر استناد کرده‌اند. ولی عده‌ای دیگر از فقها قائل به کراهت شده و معتقدند روایات مختلفی وجود دارد که دلالت بر جواز کشتن و قتل زنان و کودکان در جنگ‌ها دارد. این روایات عبارت است از:

۱. «عن النبی(ص) أنه نصب علی أهل الطائف منجنيقا و كان فيهم نساء و صبيان و خرب حصون بني النظير و خيبر و هدم دورهم». رسول خدا نسبت به اهل طائف منجنيق قرار داد، در حالی که در میان آنان زنان و کودکان بودند و دیوارهای بنی‌نضیر و خیبر را تخریب و خانه‌های آنها را منهدم ساخت (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۶۵).

۲. «قال أخبرني حفص بن غياث قال: كتب إلي بعض إخواني أن أسأل أبا عبد الله عن مدينة من مدائن الحرب هل يجوز أن يرسل عليهم الماء أو يحرقوا بالنيران أو يرموا بالمنجنيق حتى يقتلوا و فيهم النساء و الصبيان و الشيخ الكبير و الأسارى من المسلمين و التجار فقال يفعل ذلك بهم و لا يمسك عنهم لهؤلاء و لا دية عليهم للمسلمين و لا كفارة». از امام صادق(ع) نسبت به یکی از بلادی که مربوط به کفار جنگجو است سوال شد که آیا جایز است آب را به روی آنها باز نماییم تا از این طریق همه آنها از بین بروند؟ آیا جایز است با منجنيق بر روی آنان آتش ریخت تا همه کشته شوند در حالی که در میان آنها زنان و فرزندان و پیران و برخی از اسیرهای مسلمان وجود دارد؟ امام در جواب فرمودند: این کارها جایز است و به خاطر زنان و نظایر آن نمی‌توان دست از غلبه کفار برداشت و نسبت به کشته‌شدگان زنان و کودکان هیچ کفاره و دیه‌ای نیست (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۲).

وجود روایات جواز قتل زنان و کودکان در جنگ سبب شده است تا فقها، روایات نهی بر کشتن غیرنظامیان را حمل بر کراهت کنند و حکم به کراهت قتل غیرنظامیان در جنگ دهند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۵۷). اما به نظر می‌رسد روایات ناهیه ظهور در حرمت دارد به این معنی که این گونه امور در صورت اختیار و عدم اضطرار جایز نیست. توضیح آنکه ارسال ماء و احراق به وسیله نار و رمی به وسیله منجنيق با

فرضی که در میان آنها نساء و صبیان و گروه‌های دیگر هستند، در صورت اختیار جایز نیست، اما در صورتی که چنین توقفی نباشد، انجام این امور ابتدائاً جایز نیست. از این جهت با روایت معتبره سکونی که دلالت بر حرمت القای سم دارد هماهنگی پیدا می‌کند. این فتوی مورد تأیید بسیاری از فقهای طراز اول می‌باشد که این فقها حرمت را به فرض عدم اضطرار و یا عدم توقف فتح مسلمانان مقید ساخته‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۲) و اگر اضطرار و یا توقف فتح باشد دیگر حرمتی در کار نیست و روایات دال بر جواز کشتن افراد غیرنظامی را روایاتی حکومتی دانست که توسط رهبر جامعه اسلامی صادر می‌شود.

۳. مصادیق افراد غیرنظامی مورد حمایت در اقوال فقها

۳-۱. زنان و کودکان

فقها مصونیت ویژه‌ای برای زنان و کودکان در زمان جنگ قائل شده‌اند. از نظر فقها زنان و کودکانی که در جنگ شرکت کرده و رزمندگان را یاری دهند، مصونیت نداشته و می‌توان آنان به قتل رساند. اما برخی از فقیهان شیعه در مورد جواز کشتن زنان در جنگ حتی در صورتی که در جبهه شرکت کرده و رزمندگان خود را یاری بدهند و علیه مسلمانان وارد عملیات شوند، تردید کرده و به صراحت آن را رد کرده‌اند. صاحب جواهر در این باره چنین می‌نویسد: «و لایجوز قتل المجانین و لالصبیان و لا النساء منهم و لو عاونهم الا مع الاضطرار، بلا خلاف اجده فی شیء من ذلک، بل فی المنتهی الاجماع علیه فی النساء و الصبیان». جایز نیست دیوانگان، کودکان و زنان اتباع دشمن کشته شوند، گرچه این عده، اتباع دشمن را یاری رسانند، مگر در هنگام اضطرار. در این مساله از هیچ یک از فقیهان نظر مخالفی دریافت نکردم، بلکه علامه حلی در کتاب المنتهی در مود عدم جواز قتل زنان و کودکان اتباع دشمن - حتی اگر در کارزار نظامی هم شرکت داشته باشد - ادعای اجماع کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۷۳).

مهمترین ادله این دسته از فقها اطلاق ادله و روایات است.

۲-۳. سالمندان و سالخوردهگان

دسته دوم که در جنگ‌ها دارای مصونیت هستند سالمندان و افراد سالخورده هستند.

فقه‌ها در این باره سالخوردهگان را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند؛

الف. آنان که در فنون جنگ صاحب‌نظرند و در جنگ شرکت داشته‌اند.

ب. آنان که در امور جنگ صاحب‌نظر نیستند اما با سپاه اسلام به مقاتله برخاسته‌اند.

ج. آنان که در امور جنگ صاحب‌نظرند، ولی اهل جنگ نیستند.

د. آنان که نه صاحب‌نظر نظامی هستند و نه اهل جنگ.

علامه حلی از فقهای امامیه، در مورد گروه‌های فوق معتقد است: «کشتن سالخوردهگانی که با سپاهیان اسلام در جنگ بوده‌اند و یا از طریق ارائه نظریه به دشمنان کمک کرده‌اند مجاز است و در صورت چهارم غیر مجاز است» (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۰۰). این دسته از فقها مستند این حکم را تقریر پیامبر اسلام در جنگ خیبر دانسته‌اند. در این جنگ، سربازان اسلام «درید بن لضمه» را که پیرمردی ۱۵۰ ساله بود و مشرکان او را با خود آورده بودند و از آرای او در فنون نظامی بهره‌مند می‌شوند، به قتل رساندند و پیامبر اسلام آنان را توبیخ نکرد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۷۵). همچنین در صورت چهارم، مستند، روایاتی است که از طرق مختلف نقل شده است که پیامبر اسلام لشکریان خود که در حال حرمت برای جنگ بودند، می‌فرمود: «لا تقتلوا شیخا فانیا» سالخوردهگان را به قتل نرسانید. بنابراین از دیدگاه فقه‌ها، چنانچه سالمندان در پیشبرد جنگ و کارزار نظامی نقش داشته باشند، خواه به عنوان نیروی رزمنده یا به عنوان طراح نقشه‌های جنگی و مشاور امور نظامی، در این صورت همانند دیگر اتباع جنگجوی دشمن بوده و از مصونیت جنگی بهره‌مند نخواهد بود. صاحب جواهر می‌نویسد: «نعم اذا كان ذا رای و قتال، قتل اجماعا» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۷۵). فقهای دیگر نیز این حکم را اجماعی دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۰۰).

۳-۳. بیماران و مجروحان و معلولان جسمی

در نگاه فقه‌ها، بیماران و مجروحان در زمره افرادی هستند که در زمان جنگ از مصونیت برخوردارند و باید از آنان حمایت‌های ویژه به عمل آید. منظور از بیماران، مفهوم عام

آن است، به گونه‌ای که شامل زخمی‌های دشمن هم می‌شود. زخمی‌های دشمن که به دلیل جراحت، قادر به جنگیدن نیستند، از هر گونه تعرض و آسیب نیروهای نظامی در امان می‌باشند و این مساله سفارش پیشوایان اسلام بوده است. صاحب جواهر در این باره می‌گوید: «ویلحق به المقعد و الاعمی کما صرح به الفاضل و سمعت ما فی خبر حفص لکن ینبغی تقیید ذلک ایضا بما اذا لم یكونا ذا رأی فی الحرب و لم یقاتلا و لم تدع الضرره الی قتلهم کما اذا تترسوا بهما و نحو ذلک مما عرفته». از جمله افراد دارای مصونیت، زمین‌گیرها و نابینایان هستند، همان گونه که فاضل بدان تصریح داشت و روایت حفص نیز بدان دلالت داشت، لکن سزاوار است این حکم تقیید بخورد و آنجایی که این عده دارای اندیشه جنگی نباشند و در جنگ نیز مشارکت نداشته باشند و نیز ضرورتی برای کشتن آنان وجود نداشته باشد، مثل آنجایی که دشمن از عده به عنوان سپر جنگی استفاده کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۷۶).

۳-۴. روحانیون و افراد مذهبی

روحانیون و افراد مذهبی نیز در جنگ‌ها از مصونیت برخوردارند مشروط به اینکه در جنگ‌ها مشارکت نداشته باشند و از نظر فکری یا جسمی در جنگ و کارزار نظامی حضور نداشته باشند. علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام راهب در میدان جنگ مطلقاً مستحق قتل دانسته (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۸۶)، در حالی که در کتاب تحریر الاحکام، راهبان و اصحاب صومعه را مشروط به آن که دارای قوه بینایی و قدرت جنگ باشند، قابل کشتن دانسته، اعم از آن که در میدان جنگ باشند یا در صومعه و کلیسا (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۶). او در کتاب تذکره الفقهاء نیز به همین قید بسنده کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۶۶).

شیخ طوسی در مبسوط قائل است به اینکه رهبانان و اصحاب صومعه‌ها کشته می‌شوند، مگر آن که مسن باشند و یا بینایی نداشته باشند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۲). صاحب جواهر می‌گوید: شیخ طوسی معتقد است نظر کسانی که قائل به مصونیت کشیشان و رهبانان هستند، مستند است به روایت مسعده بن صدقه. شیخ طوسی در رد آنان گفته است که چون خبر مذکور به خاطر عدم اعتبار مسعده واجد

شرایط حجیت نیست، اقوا عمل به عموم آیه است: «فاقتلوا المشرکین حیث ثقتموهم» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، صص ۷۶ و ۷۷).

در نقد نظر شیخ طوسی می‌توان گفت: آنچه از مجموع دلایل و متون به دست می‌آید این است که راهبان و صومعه نشینانی که از مردم دوری گزیده با مردم حشرونشر ندارند و صرفاً به اعمال عبادی خود اشتغال دارند در حال جنگ از تعرض مصونند، ولی این مصونیت به این خاطر نیست که حقوق اسلامی برای روحانیون و پیشوایان ادیان احترام خاصی قائل باشد، بلکه از آن نظر است که آنان به خاطر انزوا و عدم دخالت در امور اجتماعی و سیاسی و فراغت کامل از جنگ و درگیری مسلحانه نظامی، مقاتل محسوب نمی‌شوند و با مسلمانان مقاتله نمی‌کنند (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴). بدین ترتیب این گونه نیست که کلیه روحانیون و پیشوایان دینی در هر جا باشند، خواه در دیر و صومعه و کلیسا و خواه در میان مردم و مشغول به تبلیغ و فعالیت دینی باید مشمول مصونیت و حمایت باشند، در حالی فقیهان مسلمان، برای روحانیون فعال هیچ گونه مصونیتی قائل نیستند.

۴. استثناءات قتل افراد غیر نظامی در جنگ از نظر فقها

۴-۱. تترس

منظور از تترس در فقه آن است که نیروهای نظامی دشمن خود را در درون حلقه انسانی از غیرنظامیان یا اسرای نظامی مسلمان قرار داده و در واقع از آنان به عنوان سپر انسانی برای حفاظت خود در کوران جنگ استفاده کنند. در این باره فقها تاکید دارند اگر نظامیان مهاجم در التهاب جنگ، کودکان را سپر خود کنند تیر انداختن به سمت دشمن، آن هم نه به قصد کودکان، بلکه به قصد نظامیان جایز است و هرگاه که التهاب جنگ فروکش نموده باشد، نمی‌توان به کودکان به هیچ وجهی آسیب رساند (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۸). محقق حلی نیز در شرایع الاسلام در این باره می‌گوید: «کشتن دیوانه‌ها، کودکان و زنان کفار، هر چند به جنگجویان کمک کنند، جایز نیست مگر در صورت اضطرار... و اگر دشمن، زنان و کودکان خود را سپر دفاعی قرار دهند، به آنها حمله نمی‌شود مگر در حال شدت جنگ و کشته شدن، و همچنین اگر اسیران

مسلمان را سپر دفاعی خود قرار دهند، هرگاه جهاد با کفار ممکن نباشد جز به قتل آنها، کشتن آنان هم جایز است» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۳). صاحب جواهر نیز در تفسیر ضرورت معتقد است: «مراد از ضرورت آن است که کفار اینها را سپر دفاعی خود قرار دهند یا اینکه فتح و پیروزی بر کشتن اینها متوقف باشد و مانند این موارد» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۷۴). البته همه ادله‌ای که ممنوعیت قتل زنان و کودکان و سایر نظامیان از آنها مستفاد می‌شود اقتضا می‌کند که حتی المقدور به راه‌هایی توسل جسته شود که اشخاص مزبور را با خطر مواجه نسازد. بنابراین در وهله اول، انتخاب راه‌هایی که منجر به کشته‌شدن غیرنظامیان مزبور می‌گردد مجاز نیست و چه بسا از مصادیق اعتداء به شمار رود که قرآن کریم از آن نهی کرده است (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸).

باید به این مطلب اشاره کرد حکم جواز تیراندازی به سمت زنان و کودکان و غیرمقاتلین در صورتی است که در التهاب جنگ باشد ولی چنانچه اگر جنگ برپا نشده باشد نیز جایز نیست به زنان و کودکانی که سپر دشمنان قرار گرفته‌اند، تیراندازی صورت گیرد و باید تا آنجا که امکان دارد بدون تیراندازی، آنان نجات پیدا کنند و چنانچه در این باره سعی و تلاشی صورت نگیرد و آنان کشته شوند، اگر عمدی تیر پرتاب شود، کسی که تیراندازی می‌کند قصاص می‌شود و اگر سهوی باشد نیز باید دیه پرداخت کند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۹۵).

۴-۲. تترس دشمن به وسیله اسرای مسلمان

چنانچه در جنگ، دشمن اسرای مسلمان را سپر محافظت خود قرار دهد، حمله به آنان مجاز است (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۳)؛ زیرا مصداق تحمل ضرر خاص برای دفع ضرر عام است و تردید نیست که رفع ضرر عام، یعنی دفاع از میهن اسلامی، بر تحمل ضرر خاص، یعنی کشته شدن اسرای مسلمان ترجیح دارد. همچنین اگر اسرای مسلمان و اطفال آنان در قلعه دشمن باشند و یا در میان وسایل جنگی آنان قرار داده شده باشند، اکثر فقها گفته‌اند چنانچه پیروزی بر

دشمن تنها از طریق کشتن اسرا و اطفال ممکن باشد، حرق و غرق و یا رمی آنها با منجنیق جایز است (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸).

۴-۳. نمایش مستهجن زنان

یکی دیگر از موارد استثنای عدم قتل افراد غیرنظامی خصوصاً زنان در جنگ، آن است که زنان با نمایش مستهجن خود، در صدد تاثیرگذاری در جنگ باشند. در این صورت فقها اجازه داده‌اند به سوی این دسته از زنان تیراندازی شود. در این باره علامه حلی معتقد است: «اگر زنی در صف کنار کفار قرار بگیرد یا بر بلندی واقع شود و به مسلمانان ناسزا گوید و یا بر گرفتن لباس از اندام، خود را در معرض دید سربازان مسلمان قرار دهد، می‌توان به سوی او تیراندازی کرد» (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۰۰). در اینجا علامه حلی این مسأله را از مصادیق ضرورت محسوب کرده و این اساس بر جواز تیراندازی به سوی آنان رأی داده است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۰۰).

در روایات در این باره چنین نقل شده است: «زمانی که پیامبر اهل طائف را محاصره کرد، زنی در جبهه دشمن ظاهر شد و لباس از اندام خویش برگرفت و خود را در معرض سپاهیان اسلام قرار داد. در این هنگام پیامبر فرمود: به سوی او تیراندازی کنید و یکی از سپاهیان اسلام به سوی او تیراندازی کرد» (احمدی میانجی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰۱). به نظر می‌رسد در صورتی که زنی صرفاً زبان به بدگویی مسلمانان و سرداران سپاه اسلام بگشاید، این رفتار را نمی‌توان از موارد ضرورت و مجوز قتل او دانست. اما در صورتی که با رفتارهای مستهجن خود در صدد تحریک سپاهیان اسلام برآیند، تشخیص ضرورت دفع آنان منوط به نظریه‌آمرا و صاحب‌نظران سپاه است (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰).

نتیجه‌گیری

از اصول بنیادین فقه سیاسی شیعه حمایت از افراد غیرنظامی مانند زنان، کودکان و غیره در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه است. در آیات و روایات متعدد حمایت از افراد غیر نظامی مورد تاکید قرار گرفته است و فقهای بزرگ امامیه با استناد به اطلاق آیات و

روایات، حکم به حرمت قتل غیر نظامیان در جنگ‌ها داده‌اند. زنان، کودکان، مجانین، شیوخ و سالمندان، افراد روحانی از جمله افراد غیرنظامی هستند که در فقه امامیه در جنگ‌ها مورد حمایت قرار گرفته و قتل و کشتارشان جایز نمی‌شود. البته فقها با تأسیس اصل کلی «کل من قاتل یُقتل» و الغای خصوصیت از موارد ذکر شده در روایات، ملاک جواز تعرض و حمله به غیرنظامیان را جنگجو بودن یا جنگجوی نبودن افراد دانسته‌اند. فقها در موارد استثنائی حکم به جواز قتل و کشتار غیرنظامیان داده‌اند که از جمله این موارد می‌توان به تترس غیرنظامیان، تترس دشمن به وسیله اسرای مسلمان و جواز کشتن زنی که با نمایش مستهجن خود باعث جلب توجه سپاهیان اسلام به خود و فریب آن‌هاست.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

احمدی میانجی، علی (۱۴۱۱ق)، *الاسیر فی الاسلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: موسسه آل‌البیت (ع).
حسینی، سیدعلی (۱۳۸۱)، *تحلیل احکام حکومتی*، رساله دکتری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، *مهذب الاحکام*، قم: موسسه المنار.
سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، قم: موسسه نهج البلاغه.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴ق)، *الدر المثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامیه، تهران: المکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایه، بیروت: دارالکتب العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران: مکتبه صدوق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقهاء، قم: موسسه آل البیت (ع).
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۱۴۲۰ق)، تحریر الاحکام، قم: موسسه امام صادق (ع).
- فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۹۲)، «تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی»، حقوق اسلامی، شماره ۳۹.
- فاضل مقداد، ابو عبدالله (۱۴۲۵ق)، کنز العرفان، قم: انتشارات مرتضوی.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: موسسه اسماعیلیان.
- فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۵ق)، تفسیر صافی، تهران: مکتبه الصدر.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، کافی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام، قم: موسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳)، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

